آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۱۲۳
یکشنبه
۱۴۰۰•۰۷•۱۱
۲۶ صفر ۱۴۴۳/ ۰۳ اکتبر ۲۰۲۱

یادداشت

پاشنه آشیل‌های نظامی‌گری باکو

صلاح‌الدین خدیو
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

در دهه ۵۰ شمسی، یک مقام شوروی با اشاره به بودجه دفاعی بی‌سابقه و خریدهای کلان تسلیحاتی ایران، خطاب به شاه سابق گفته بود: هدفتان چیست؟ اگر مقصود عراق است، که این حجم اسلحه خیلی بیشتر از توان آن است، اگر هم هدف شوروی است، با صد برابر این میزان هم نمی‌توانید به موازنه نظامی با ما دست پیدا کنید! ظاهرا این تمثیل امروز درباره جمهوری آذربایجان صادق است. تحرکات نظامی راهبردی، بودجه دفاعی بالا و مانورهای مشترک غیرمتعارف، اقداماتی هستند که بعید است هدف آنها، کشور کوچک و ضعیف ارمنستان باشد که میان دو قدرت خصم – آذربایجان و ترکیه – «ساندویچ» شده است. اگر هم هدف ایران است، به مثل فیل و فنجان بعید است، توفیری از آن حاصل شود. نظامی‌گری باکو ظاهرا از دو محرک مهم ناشی می‌شود: غرور ناشی از پیروزی برق‌آسا و قاطع بر ارمنستان و دوم ساختار سیاسی غیردموکراتیک کشور و سودای رهبری آن برای خرج کردن مابه‌ازای این پیروزی در عرصه سیاست داخلی و تحکیم قدرت از طریق تثبیت و گسترش دستاوردهای اخیر. پاشنه‌آشیل این سیاست اما، اتکای صرف و مطلق به متحدان خارجی و ورود به بازی‌های ژئوپلیتیک در مقیاسی بزرگتر از ظرفیت و توانایی‌های کشور است. از ترکیه شروع کنیم. روشن است که بازیگردان اصلی و پشت صحنه، رجب طیب اردوغان و رویاهای نوعثمانی‌گری وی هست. نیک می‌دانیم که صد سال قبل هم یکی از انگاره‌های اصلی و مخفی سیاست «اتحاد اسلام» ترک‌های جوان، پان‌تورانیسم و وحدت با سرزمین‌های ترک قفقاز و آسیای میانه بود. خوابی که تعبیر نشد و نتایجی تلخ برای ترکیه به همراه آورد. چه تضمینی وجود دارد که در ترکیه پسا اردوغان، زمامداران جدید سودای امپراطوری‌گونه را رها و دوباره پشت درهای اتحادیه اروپا به انتظار نایستند. آیا محتمل نیست در چنین فضایی، آنکارا از اتحاد بی‌چون و چرا با باکوی دست برداشته و اولویت‌های دیگری را جایگزین کند؟ برای ترکیه «دموکراتیک‌تر» فردا آیا ممکن است اتحاد بی‌چون و چرا را با «کشور خانوادگی» تحت تسلط نسل سوم علیف‌ها ادامه دهد؟ مورد دوم اسرائیل است. نگاه اسرائیل به آذربایجان به‌عنوان عاملی نیابتی و سرپلی عملیاتی در برابر اتحاد ایران و حزب‌ا... لبنان است. به ظن قوی تهاتر نفت و اسلحه دو کشور در درجه دوم اهمیت قرار دارد. با عادی‌سازی سریع روابط اسرائیل با کشورهای نفت‌خیز عرب، عامل انرژی نمی‌تواند اولویت استراتژیک این رژیم در روابط دو جانبه با باکو باشد. در بازی بزرگان، همیشه احتمال وجه‌المصالحه شدن طرف کوچک و ضعیف‌تر وجود دارد. فرضا یک موازنه جدید در خاورمیانه به وجود بیاید و یا از تنش میان ایران و اسرائیل کاسته شود. در چنین حالتی، باکو اهمیت راهبردی خود را از دست نمی‌دهد؟ مضاف بر آن تقویت بیش از حد آذربایجان از سوی اسرائیل، می‌تواند به واکنش کشورهایی نظیر آمریکا و فرانسه بینجامد که از دیرباز پیوندهای تاریخی و دوستانه با ارامنه دارند. ورود پاکستان به این عرصه، از موارد دیگر عجیب‌تر است. واضح است که اسلام آباد به دعوت آنکارا آمده است. دو کشور پس از تیرگی نسبی روابط با عربستان و نزدیکی مشترک به قطر، نوعی محور منطقه‌ای جدید تشکیل داده‌اند. اما اتحاد راهبردی با پاکستان برای باکو، راحت می‌تواند به مصداق دوستی خاله‌خرسه تبدیل شود. پاکستان یک بازیگر حرفه‌ای و تا حد زیادی نامسئول در منطقه است. روابط دیرینه آن با عربستان قابل کتمان نیست. یکی از منابع مالی و تامین بودجه پاکستان در چند دهه گذشته و حتی حامی مالی برنامه اتمی آن، ریاض بوده است، اما موقع خودش که رسید، این کشور حاضر نشد حتی به صورت نمادین در جنگ یمن شرکت کند. با این وصف چه آبی از آن برای باکو گرم می‌شود؟ غیر از تحریک روسیه و هندوستان برای جبران‌مافات و موازنه‌سازی علیه آن. با این اوصاف یک سیاست خارجی مصلحت‌آمیز و واقع‌بینانه و دربرگیرنده منافع پایدار برای آذربایجان، نمی‌تواند از دالان دوستی استراتژیک و تامین منافع دو همسایه دائمی و قدرتمند ایران و روسیه نگذرد. تداوم فشار علیه ایروان به همراه «برادر بزرگتر»، می‌تواند این کشور را به واکنشی مشابه وادارد. نتایج جنگ قره‌باغ، واقعیت‌های ژئوپلیتیک جدیدی در منطقه خلق کرده است. اما پایداری این نتایج در گرو تامین منافع راهبردی قدرت‌های مطرح منطقه و امساک و خودداری عاقلانه است. دستکاری مرزها حتی به استناد نقشه‌ها و موازین حقوقی، مانند حق تعیین سرنوشت، بغرنج و تنش‌زاست. می‌توان در تئوری از آن تحت عنوان منشور ملل متحد دفاع کرد. اما در اجرای آن نمی‌توان از مساله امنیت منطقه‌ای و منافع همسایگان، باز به استناد همان منشور عدول کرد. ارمنستان کشوری ضعیف است که با تهدید قدرتی بزرگ یعنی ترکیه روبه‌رو شده است. اما مرز آن با ایران، بخشی از امنیت ملی و منافع ملی کشور است و تهران هم ایروان نیست که بشود اهمیت آن را نادیده گرفت.

دیدگـــاه

دولت، سیاست و جمع‌گرایی

ادامه از صفحه اول / و به بهانه ایجاد هماهنگی و چابکی دولت و تمرکز بر مدیریت کشور از سمت‌های خود عزل شوند و افراد همسوتر به کار گمارده شوند، این موضوع می‌تواند همبستگی ملی و مشارکت آحاد مردم را دچار آسیب کند. از سوی دیگر بسیار شنیده شده که کالاهای بسیاری در انبارهای گمرک مدت‌ها باقی مانده است چون هماهنگی بین واردکننده، بانک تامین‌کننده ارز و گمرک وجود نداشته است درحالی که مردم مدت‌ها در انتظار دریافت این اجناس بوده‌اند و خسارت زیادی به واردکنندگان و حتی به دولت وارد شده است. یا اینکه به دلیل عدم هماهنگی و همکاری بین دو دستگاه که هر یک خود را متولی و مسئول می‌داند مدت‌ها مردم در بلاتکلیفی بسر می‌برند. این روزها آموزش‌وپرورش تحت‌فشار است تا مدارس زودتر بازگشایی شوند. وزارت بهداشت که خود را متولی سلامت و ایمنی مردم می‌داند چون نگران انتشار ویروس کروناست، نظرات دیگری دارد. نکته مهم آنکه این اختلاف‌نظرها و روش کارهای متفاوت در فرآیندهای تصمیم‌گیری در زمانی واقع می‌شود که مسئولان این دستگاه‌ها به‌لحاظ سیاسی در یک جناح قرار دارند. نتیجه می‌گیریم که انتصاب مدیران دارای دیدگاه مشترک سیاسی، نتوانسته برای حل این چالش‌ها موثر واقع شود. پس علت عدم هماهنگی را باید به‌گونه‌ای دیگر مورد بررسی و تحلیل قرار داد. شاید در کوتاه‌مدت برای حل برخی موضوعات با صدور دستورات مقطعی بالادستی و تفکیک وظایف و سبک‌های مدیریتی بتوان به نتیجه مناسب رسید اما اندیشمندانی بر این باورند که مشکل اصلی در تمایلات فردگرایانه است که متاسفانه در کشور بسیار رواج دارد. اگر ما از دوران مهدکودک و مدرسه به صورت سازماندهی شده و سیاستگذاری صحیح برای کاهش رویه فردگرایانه و آموزش و ترویج کار جمعی برنامه درازمدت داشته باشیم و رسانه‌ملی که قرار است دانشگاه بزرگی برای کشور باشد و همگان را آموزش دهد و با اجرای برنامه‌های جمع‌گرایانه مردم را به ارزش‌های کار جمعی آشنا کند و تفهیم نماید و دیگر دستگاه‌هایی که مسئولیت‌هایی در توسعه فرهنگ ملی دارند، خود را موظف به همراهی کنند، تدریجا کار جمعی و تفکر جمع‌گرایانه تبدیل به فرهنگ خواهد شد. بعد خواهیم دید که ما از مشارکت دادن همه سلیقه‌ها در سیستم تصمیم‌گیری کشور ضرر نخواهیم کرد بلکه مشارکت جمعی به توسعه کشور کمک خواهد کرد زیرا سرمایه اجتماعی که از ضرورت‌های اداره کشور است، افزایش می‌یابد. متاسفانه پرداختن به موضوع بسیار مهم انجام کار جمعی و تفکرات جمع‌گرایانه که یک مسئولیت اجتماعی برای هر فرد تاثیرگذار و دلسوز برای کشور است در کاغذ روزنامه نمی‌گنجد و برای آن باید فکر دیگری کرد. امیدواریم در این روزهای آغازین تشکیل دولت و در میان هزاران انتظاری که از دولت می‌رود، فرهنگ‌سازی کار جمعی نیز مورد عنایت قرار گیرد.

علی‌اصغر زرگر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

باید در دیپلماسی همسایگان شرقی و شمالی موازنه ایجاد کرد

- پاکستان عمق استراتژیکش را در تسلط بر افغانستان می‌داند
- ایران در جنگ آذربایجان و ارمنستان در حوزه دیپلماسی خوب عمل نکرد

آرمان ملی – مهدی فقیه: سیاست خارجی در بستر تحولات بین‌الملل و منطقه‌ای معنا پیدا می‌کند. محیط سیاست خارجی ایران بحرانی است، این در حالی است که دولت سیزدهم به تازگی مستقر شده و همین امر باعث شده تا فضای سیاست خارجی ایران مبهم و ناروشن باشد. دولت آقای رئیسی در صحنه سیاست خارجی با مسائل مهمی از جمله مساله برجام روبه‌رو است و امروز همه طرف‌های این توافق درصددند تا آغاز مذاکرات را هرچه زودتر کلید بزنند. این در حالی است که ایران هنوز عجله‌ای برای آغاز مذاکرات ندارد و گفته به‌زودی به مذاکرات برجام پیوند خواهد خورد. البته برخی نیز مطرح می‌کنند که با عضویت ایران در شانگهای حضور یا عدم حضور در برجام دیگر چندان برای ایران اهمیت ندارد. با این حال باید دید سیاست دولت در ۴ سال آینده در این حوزه چگونه پیش خواهد رفت. برای ارزیابی تحولات این روزهای سیاست خارجی، برجام و مسائل منطقه «آرمان ملی» با علی‌اصغر زرگر استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

ارزیابی شما از محیط فعلی سیاست خارجی ایران چگونه است؟

سیاست خارجی معمولا در حوزه مسئولیت وزارت خارجه و دیپلماسی صرف قرار دارد که از طریق نمایندگان در کشورهای دیگر این کار را انجام می‌دهد. سیاست خارجی معمولا اهداف خاصی را توسط سفرا و کسانی که سیاست خارجی را طرح ریزی می‌کنند، دنبال می‌شود. (تامین امنیت و منافع ملی و به لحاظ اقتصادی بازاریابی و فراهم کردن تسهیل مراودات تجاری). اما وضعیت سیاست خارجی فعلی ما در بیست سال گذشته معمولا در دو جهت حرکت کرده؛ یکی سیاست خارجی میدانی و دیگری توسط وزارت امور خارجه پیگیری شده است. در ارتباط با مسأله میدانی ما معمولا در ارتباط با امنیت ملی و حفظ آرامش کشورمان سعی کردیم فعالیت میدانی را ارجحیت بدهیم و اولویت با دیپلماسی میدانی بوده. (فعالیت در سوریه و لبنان) اهداف خودمان را در میدان به اجرا بگذاریم و یک عمق استراتژیک برای خودمان تعریف کرده‌ایم و این عمق استراتژیک را در خارج از مرزهای خودمان به اجرا گذاشتیم. از این جهت به این فعالیت میدانی ما انتقاد وارد شده و در واقع ما دیپلماسی رسمی را مقداری از آن غافل شدیم. اگر یک موازنه‌ای برقرار می‌شد بین دیپلماسی میدانی و سیاست خارجی دیپلماتیک شاید برای ما کم هزینه‌تر و کاربرد آن بیشتر بود. به نظر می‌آید با توجه به تحولات منطقه (نزدیکی کشورهای منطقه با اسرائیل، روی کار آمدن طالبان و...) زمان آن فرارسیده که به دیپلماسی فعال بپردازیم و مقداری هزینه‌های خودمان را از دیپلماسی میدانی کم بکنیم. این رویکرد به دیپلماسی هم کم‌خرج‌تر است و هم می‌تواند با توجه به تحولات منطقه با آن برخورد دیپلماتیک بکند، یارگیری کند و بعدش هم کسانی که مخالف سیاست‌های میدانی هستند اجازه تحرک ندهد و علیه ایران اقدامی انجام دهند. ملاحظه می‌کنیم که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با توجه به فعالیت‌های میدانی ایران، همسویی با آمریکا و اسرائیل دارند در صورتی که اگر ما یک مقدار به دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی خودمان ارجحیت می‌دادیم هم هزینه کمتری پرداخت می‌کردیم و هم از حرکت این کشورها به سوی دشمنان ایران جلوگیری می‌شد. از این نظر است که معتقد هستم که زمان آن فرارسیده است (همان‌طور که مسئولان جمهوری اسلامی هم اعلام کرده‌اند که دست دوستی به سوی کشورهای منطقه دراز می‌کنند) که اولویت را به دیپلماسی از مراجع رسمی داد و از دیپلماسی میدانی که ایجاد خشونت و حساسیت می‌کند، پرهیز کرد. اگر بین این دو حیطه دیپلماسی برقرار کنیم هم می‌توانیم تحولات منطقه‌ای (اتحادها و ضد اتحادها) را رصد کنیم و زودتر بتوانیم در صورت لزوم مقابله کنیم تا از این منظر امنیت ملی ما درخطر قرار نگیرد.

زمان اندکی از روی کار آمدن دولت سیزدهم می‌گذرد، ارزیابی شما از عملکرد دولت در حوزه سیاست خارجی در این مدت زمان کوتاه چیست؟

به نظر نمی‌توان ارزیابی خاصی در این مدت کوتاه انجام داد، چون نمودهای خارجی این سیاست هنوز قابل ارزیابی نیست. به طور مثال در مورد برجام، غربی‌ها و آمریکایی‌ها عجله دارند برای جلوگیری از بروز تنش بیشتر ایران را به پای میز مذاکره بکشانند و در واقع برجام را به نوعی زنده نگه دارند. ایران به دلایل خودش مانند مدیریت کرونا در داخل، ارزیابی تحولات داخلی و خارجی هنوز به یک نتیجه قطعی نرسیده که با چه اهدافی به پای میز مذاکره برود. بنابراین هنوز نمی‌توان ارزیابی خاصی داشت. در حالی که می‌توانستند در این مدت در روابط با غرب و شرق در راستای رسیدن به یک توازن به یک جمع بندی برسند. در رابطه با شرق (روسیه و چین) به نظر می‌آید که همان روش قبلی ادامه پیدا می‌کند و تغییر عمده حاصل نشده است ولی نگاه به شرق یک مقدار تقویت شده است و این نگاه به شرق با عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری‌های پیمان شانگهای نمود پیدا کرد که باعث تقویت مواضع ایران در مذاکرات با غربی‌هاست. تعلل بیش از حد بازگشت به برجام جایز نیست و یک دیپلماسی خاصی را جهت رسیدن به یک توافق در پیش گیرد. این توافق اگر مرحله‌ای هم باشد می‌تواند منجر به آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران، گشایش در تبادلات پولی و بانکی، تسهیل فروش نفت و انتقال ارز به داخل شود. در مجموع نظر من این است که اهداف ملی و کلی سیاست خارجی ایران در برقراری تعادل و موازنه بین روابط با شرق و غرب است که می‌تواند یک آرامشی را برای ایران ایجاد کند تا طرح های توسعه‌ای خودش را پیش ببرد و به اقتصاد خود سامان بدهد.

با سفر وزیر امور خارجه اسرائیل به بحرین شاهد حضور پررنگ اسرائیل در خلیج فارس هستیم، پیامدهای این سفر چیست؟

اسرائیلی‌ها کار خودشان را می‌کنند و ایران هم دست بسته نیست و در کنار مرزهای اسرائیل قرار دارد (حضور در سوریه و لبنان) همانطور که ایران در کنار مرزهای اسرائیل حضور دارد و از گروه‌های فلسطینی حمایت می‌کند، اسرائیلی‌ها هم با توجه به دیپلماسی فعال خودشان و انفعال جهان عرب توانستند به عادی سازی روابط با کشورهای عربی اقدام کنند. اسرائیلی‌ها با توجه به سیاست نیل تا فرات از نظر دیپلماسی پیشرفت می‌کنند، اسرائیلی‌ها با حضور در کنار مرزهای کشورمان سعی می‌کنند ایران را دور بزنند و تحت فشار قرار بدهند این سیاست کلی اسرائیل است. ایران به جای اینکه کشورهای عربی را به دامن اسرائیل بفرستد، سعی کند روابط حسنه با کشورهای عربی ایجاد کند. هر چه روابط با ایران نزدیک باشد، نفوذ اسرائیلی‌ها به عقب رانده می‌شود.

با توجه به روی کار آمدن طالبان و حمـــایت پاکستان از آنها، آیا ایران و پاکستان در مسیر تقابل هستند؟

پاکستان عمق استراتژیک ندارد و روابط پر تنشی با هند دارد و نظرش این است که در افغانستان حکومتی سرکار باشد که تحت سیطره آنها باشد. بنابراین پاکستان عمق استراتژیک خودش را با تسلط بر افغانستان بیشتر می‌کند. ایران و پاکستان درست است که مقداری واگرایی داریم اما زمینه‌ای همگرایی هم وجود دارد مانند مسایل امنیت مرزها، همکاری‌های اقتصادی و... لذا نمی توان با قاطعیت از تقابل صحبت کرد. وظیفه دستگاه دیپلماسی است که مانع از تقابل جدی شود. با توجه به روابط و پیوندهای عربستان و پاکستان، بهبود روابط ایران و عربستان می‌تواند در جلوگیری از تقابل با پاکستان جلوگیری کند.

ارزیابی شما در مورد تنش‌های اخیـــر ایران و جمهوری آذربایجان چیست؟

به نظر می‌آید در جریان جنگ آذربایجان و ارمنستان ایران به لحاظ دیپلماسی خوب عمل نکرد. ایران یک مقدار به لحاظ استراتژیک غافل ماند و سیاست طرفداری از آذربایجان را در پیش گرفت و این اشتباه بود و باید ایران سیاست میانه‌ای را در پیش می‌گرفت تا شاهد وضعیت فعلی نباشیم. لذا امر بر جمهوری آذربایجان مشتبه شده که می‌تواند به پیشروی خودش ادامه بدهد و بنابراین مرز مشترک ایران با ارمنستان را قطع کند تا راه ارتباطی با ترکیه از طریق جمهوری نخجوان ایجاد کند، اینجا است که جمهوری اسلامی تازه از خواب بیدار شده اگر این کار انجام شود دیگر مرز مشترکی با ارمنستان ندارد، بنابراین به لحاظ ارتباط با اروپا از طریق ارمنستان می‌توانند به ما فشار وارد کنند. عملکرد فعلی دیپلماسی ایران در این مقطع و برگزاری رزمایش اقدامات هوشمندانه‌ای بود. مرز مشترک با ارمنستان باید محفوظ بماند و تغییر مرزها پذیرفته شده نیست. ایران از قابلیت لازم برای مهار همسایگانی که یاغی گری می‌کنند، برخوردار است.

حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای و فرصت‌های پیش روی آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عضویت ایران در سازمان شانگهای به عنوان یک نهاد قدرتمند منطقه‌ای که در تقابل با نفوذ و یک جانبه‌گرایی آمریکا و ناتو و تضعیف هژمونی آنها در جهان است، می‌تواند موضع ایران را در خاورمیانه تقویت کند و حتی در مذاکرات برجامی که روسیه و چین دو عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل شرکت دارند، امتیازات بیشتری برای لغو تحریم‌ها از آمریکا اخذ کند. از اهمیت تشکیل این سازمان و اهداف همه جانبه آن همین بس که مساحت کل سرزمین‌های تحت حاکمیت کشورهای عضو و ناظرین بیش از ۳۵ میلیون کیلومتر مربع و با جمعیتی بیش از سه میلیارد یا حدودا بیش از ۴۰ درصد جمعیت دنیا را در بر می‌گیرد. از این رو باید گفت که این سازمان ظرفیت بسیار فراوانی در شکل‌گیری ساختارهای امنیتی حوزه پیرامونی خودش خواهد داشت و برگزاری نشست در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر خود گویای تلاش اعضای این سازمان برای ایفای نقشی فعالانه‌تر در بحران‌های منطقه به خصوص افغانستان است. خروج نیروهای آمریکا و ناتو از افغانستان و تسلط گروه طالبان بر این کشور از تحولات مهمی است که شایسته توجه سازمان خواهد بود. اگرچه این سازمان به‌صورت آشکار به دنبال تقابل با منافع هیچ کشوری نبوده و رسما هدف همکاری‌های چندجانبه برای حفظ امنیت را پیگیری کرده است ولی واقعیت این است که محور روسیه و چین به انضمام ایران به نوعی در حال حرکت به سمت تقابل با نفوذ آمریکا در منطقه هستند. بنابراین سازمان شانگهای یک نهاد منطقه‌ای برای همکاری‌های چند جانبه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی و با تاکید بر حفظ و ثبات مرزها و حاکمیت ملی کشورها است که ایران باید از آن به بهترین شکل استفاده کند.

قوانینی که به نفع خودرودار شدن ملت، به چالش می‌خورند

واردات خودرو را به نفع همه مردم آزاد کنید

آرمان ملی – امید کاجیان: طرح آزادسازی واردات خودرو در سال ۱۴۰۰ از جمله موضوعاتی بود که بارها در صحن علنی مجلس در دستور بررسی قرار گرفت و البته با چالش‌های زیادی هم مواجه شد. استدلال این بود که با اجازه دادن واردات خودرو پس از چند سال می‌توان به کاهش قیمت‌های غیرواقعی در بازار رسید و از سویی بازار انحصاری موجود و البته بی‌کیفیت تولید داخلی را بهبود داد. اما این طرح مخالفانی هم داشت تا جایی که برخی نمایندگان اعلام کردند تعبیر از طرح مجلس با عنوان آزادسازی واردات خودرو صحیح نیست بلکه هدف تنظیم واردات خودرو در راستای حمایت از تولید داخل است تا از وضعیت مبهم و اشکال‌آفرین کنونی خارج شویم. این در حالی است که گفته شده بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در ۱۵ سال اخیر مجموعاً کمتر از ۷۰۰ هزار خودرو وارد کشور شده در حالی که تولید داخل بیش از ۱۵ میلیون دستگاه بوده. در واقع کل واردات خودرو کمتر از پنج درصد تقاضای بازار را پوشش داده و از نظر واردات نیز این میزان کمتر از ۳ درصد کل واردات کشور بوده است. از همین رو مجلس ضرورت اقداماتی در راستای اصلاح این ساختار و تسهیل واردات را لازم دید، هرچند با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد. موضوع از این قرار بود که نمایندگان در این راستا پیشتر مصوبه‌ای مبنی‌بر «صدور مجوز برای واردات خودروهای خارجی» را تصویب کرده بودند که با ایراداتی مواجه شد. با این حال مجلس تلاش داشت تا امکان واردات خودرو را تا جایی که می‌تواند تسهیل کند. سرانجام بیست و چهارم شهریور ۱۴۰۰ بود که نمایندگان مجلس، با اصلاحات کمیسیون صنایع و معادن در ماده ۴ طرح ساماندهی صنعت خودرو درباره واردات خودرو به منظور تامین نظر شورای نگهبان موافقت کردند. در نشست علنی این روز مجلس شورای اسلامی با ۱۷۲ رأی موافق، ۳۸ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۳ نماینده حاضر در صحن علنی با این اصلاحات موافقت کرد. ماده چهار به شرح ذیل اصلاح شد: هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند به ازای صادرات خودرو یا قطعات خودرو یا سایر کالاها و یا خدمات مرتبط با انواع صنایع نیرو محرکه و یا از طریق واردات بدون انتقال ارز نسبت به واردات خودرو تمام برقی یا دو نیرویی (هیبریدی) و یا واردات خودروی بنزینی یا گاز سوز با بر چسب انرژی ب(b) و بالاتر و یا دارای شاخص ایمنی سه ستاره و یا بالاتر بر اساس گواهی‌های استاندارد معتبر، معادل ارزش صادراتی خود اقدام نماید. اما به هرروی مخالفت با این موضوع ادامه داشت مثلا وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد که تراز تجاری کشور فعلا متعادل نیست و به همین جهت نیز ما تا زمان مثبت شدن تراز تجاری صادرات غیرنفتی با آزادسازی واردات خودرو مخالف هستیم چراکه در نهایت سبب ایجاد تورم شده و به ضرر کل جامعه است و تا پایان سال ۱۴۰۰ هم واردات درست نیست و یا اظهارنظر آیت‌ا... محسن مجتهدشبستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که گفت: باید تولیدات داخلی را افزایش داد و از واردات خودروهای خارجی جلوگیری کرد. ایران کشوری است که نباید از ماشین‌های خارجی استفاده کند. برای جمهوری اسلامی زننده است افرادی سوار ماشین‌های خارجی شوند و از ماشین‌های تولید داخلی استفاده نکنند، این دون شأن جمهوری اسلامی است. او ادامه داد: به قدر کافی ماشین داخلی داریم و باید به تولیدات داخلی اهمیت داد. با وارد کردن ماشین‌های خارجی موافق نیستم. باید تولیدات داخلی با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار بگیرد و حتی‌الامکان از استفاده ماشین‌های خارجی ممانعت شود. به هر روی در حالی که این قانون با اماواگرهای بسیار روبه‌رو شد و به نوعی مسکوت ماند در سویی دیگر اظهاراتی قابل‌تامل برای واردات ۵ هزار خودرو برای تامین نیاز جانبازان از سوی معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید مطرح شد. امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی از پیگیری برای واردات پنج هزار خودرو برای جانبازان خبر داد. او با اشاره به حق تامین خودروی جانبازان بیان کرد: در این زمینه باید نزدیک به پنج هزار خودرو به جانبازان تحویل داده شود اما امکان واردات خودرو به‌جز از مناطق آزاد وجود ندارد. البته اینکه به‌خودی‌خود بنا به انجام چنین کاری است قطعا بسیار هم خوب و شایسته است، اما نکته در اینجاست که اگر قرار به واردات است چرا این کار برای همه اقشار مردم صورت نمی‌گیرد و با عناوین مختلفی با آن مخالفت می‌شود؟ موضوعی که باعث بالا ماندن قیمت خودروهای داخلی و خارجی شده است و عملا مردم را با مشکلات عدیده‌ای هم روبه‌رو ساخته. با توجه به موضوع ورود این ۵ هزار خودرو پرسش اینجاست که آیا بهتر نیست این تسهیل و گشایش به نفع مردم و برای بقیه نیز رخ دهد و با آزاد شدن واردات یا به هرصورت اجرای مصوبه مجلس کمکی به وضعیت کنونی شود؟

ماجرای یک اختلاف دیگر

بخش دیگر ماجرا که عملا مسأله خودرودار شدن به نفع مردم را تحت‌الشعاع قرارداده است، مخالفت کانون سردفتران از دستور صریح دادستان کل کشور بود. نیمه شهریور امسال دادستان کل کشور گفت: برگ سبز خودرو از نظر ما سند رسمی است و هیچ شکی در آن وجود ندارد. حجت‌الاسلام منتظری با بیان اینکه برخی از افراد معتقدند باید اسناد و مدارک توسط دفاتر اسناد رسمی نقل و انتقال شود، افزود: لکن از نظر ما به‌عنوان دستگاه قضایی انتقال خودرو باید با سند رسمی انجام شود و برگه سبز نیز به موجب یکسری مقررات که صادر می‌شود دارای اعتبار است و از نظر ما این برگه سبز کاملا رسمی است. وی ادامه داد: بنابراین استنباط ما از این ماده قانونی این است که وقتی سند رسمی از طرف نیروی انتظامی صادر می‌شود هیچ اشکالی در آن به‌عنوان سند رسمی وجود ندارد. بیان این موضوع که اسناد و مدارک دیگر نیازی نیست توسط دفتر اسناد رسمی و نقل و انتقال شود اما به کانون سردفتران خوش نیامد، چراکه اندکی بعد رئیس کانون سردفتران و دفتریاران با تأکید بر اینکه کماکان تنظیم سند خودرو در دفاتر اسناد رسمی الزامی و اجباری است، با دستور صریح دادستان کل کشور مخالفت کرد. علی خندانی، رئیس کانون سردفتران و دفتریاران در برنامه پارک شهر رادیو تهران همچنان دستور صریح دادستان کل کشور مبنی بر الزامی نبودن تنظیم سند خودرو در دفاتر اسناد رسمی را نادیده گرفت و تأکید کرد: «کماکان تنظیم سند خودرو در دفاتر اسناد رسمی الزامی و اجباری است.» شورای عالی کانون‌ها و مجامع سردفتری کشور هم از مخالفت صریح خود با بخشنامه دادستان کل کشور مبنی بر الزامی نبودن تنظیم سند مالکیت خودرو در دفاتر اسناد رسمی خبر داد. درحالی که تصور می‌شد جدال طولانی بر سر سند خودرو با اعلام نظر دادستان کل کشور به پایان رسیده است، سخنگوی قوه‌قضائیه درخصوص حل اختلافات پیش‌آمده پیرامون سند خودرو و اعتبار یا عدم اعتبار برگ سبز، خواستار ورود مجلس به این ماجرا شد. نتیجه آنکه این قانون هم که می‌توانست در راستای خودرودار شدن مردم کمکی باشد نیز با اماواگر و چالش‌های بسیار روبه‌رو شد. اکنون مجلسی که خود یکی از مصوبه‌هایش در راستای ایجاد تسهیلات برای خودرودار شدن مردم مبنی بر واردات خودرو در هاله‌ای از ابهام و دشواری به‌سر می‌برد باید در مورد آنچه که پیش‌تر دادستانی نظرش را داده بود هم به قضاوت بنشیند. این درحالی است که مردم به‌دنبال راهی برای عبور از مجموعه مشکلات از جمله خودرودار شدن و یا تسهیل قوانین هستند و اما در درون ساختار کنونی، مقامات دراین زمینه اختلافات جدی دارند.

فـــرارو

احمد مازنی:

گفت‌وگوی ملی راه برون‌رفت از مشکلات است

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص تعامل اصلاح‌طلبـــان با حاکمیـــت، اظهـــار کرد: گفتمان اصلاحات یک امر گسترده‌ای است و ممکن است بسیاری از اشخاصی که به لحاظ حزبی و تشکیلاتی به جریان اصلاحات تعلق نداشته باشند، در سطوح مختلف قائل به اصلاحات باشند. احمد مازنی با بیان اینکه اساسا دوگانه اصلاح‌طلبان و حاکمیت، دوگانه انحرافی است، گفت: جمهوری اسلامی ایران محصول انقلاب اسلامی است و حاکمیتی که گسترده است که شامل رهبری نظام، شورای نگهبان، مجلس، دولت، قوه قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دستگاه‌های مختلف حکومتی است و هر کدام بخشی از حاکمیت هستند که در قانون اساسی جایگاه و مأموریت‌شان تعریف شده است. بنابراین دوگانه اصلاح‌طلبان و حاکمیت، دوگانـــه دقیقی نیست؛ چراکه ما اصلاح‌طلبان را یکی از جـــریان‌های اصیل درون انقلاب اسلامی و موسس جمهوری اسلامی می‌دانیم. وی افزود: دو جریان سیاسی فراگیر و گسترده ذیل قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی در حال فعالیت هستند و هر کدام از این دو جریان طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند که نمی‌توان به صورت دقیق گفت اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان به صورت یکپارچه چه موضع و نظری دارند. مازنی تأکید کرد: نسبت جریان اصلاحات با جمهوری اسلامی، نسبت حامی و حمایت شونده است و این جریان خود را بخشی از نظام و انقلاب و قانون اساسی می‌داند و در تعامل با حاکمیت نیز همیشه تلاش کرده که به عنوان عضوی از نظام جمهوری اسلامی به مردم خدمت کند و اگر نگاه و نظر اصلاحی هم دارد، در جهت تحکیم نظام و حفظ دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی است. نماینده سابق مجلس در خصوص نقش آیت‌ا...هاشمی در برقراری گفتمان میان اصلاحات و حکومت عنوان کرد: آقای هاشمی عضو جریان اصلاحات نبود اما به دلیل ظرفیتی که در نظام داشت و نگاه‌های اصلاحی که داشت به همه جریان‌ها در جهت اعتدال و پرهیز از تندروی کمک می‌کرد و اواخر عمرشان نیز ارتباط‌شان با اصلاح‌طلبان بیشتر شده بود اما هیچ‌گاه به عنوان عضو جبهه اصلاحات تعریف نمی‌شد. وی ادامه داد: امروز در مجموعه نظام جمهوری اسلامی برخی از شخصیت‌های اصلاح‌طلب مسئولیت دارند، آقای مجید انصاری عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز در مجمع تشخیص مصلحت هستند، آقایان صدر و عارف نیز عضو مجمع تشخیص هستند. در بخش‌های دیگر نیز ممکن است به صورت رسمی با هویت حزبی و تعلق جریانی نباشند اما به دلیل اینکه از ابتدای انقلاب به مرور دو جریان اصیل از درون نظام بیرون آمدند و در حال رقابت با یکدیگر هستند، در همه نهادها از چهره‌های این دو جریان استفاده می‌شود. البته انتظار می‌رود از سرمایه انسانی و اجتماعی اصلاح‌طلبان بیش از این در نهادهای انتصابی و دولت استفاده شود. مازنی با بیان اینکه من همیشه همه شخصیت‌های تاثیرگذار کشور را به گفت‌وگوی ملی دعوت کرده‌ام، تصریح کرد: چهره‌هایی مانند آقایان خاتمی، لاریجانی، عارف، موسوی‌خوئینی‌ها و سید حسن خمینی و شخصیت‌های حزبی و سیاسی جریان اصولگرا و نیز اشخاص معروف به جریان انقلابی همچنین بزرگان شورای نگهبان و سایر ارکان حاکمیت، احزاب سیاسی و حتی شخصیت‌های دانشگاهی و حوزوی با مبنا قرار دادن قانون اساسی و مبانی اصلی نظام جمهوری اسلامی باید با یکدیگر گفت‌وگو کنند و مسائل کشور را با گفت‌وگو حل کنند. بنابراین من راه‌حل مشکلات کشور را همچنان در گفت‌وگو برای هم‌افزایی در مسائل مشترک و حل مسائل اختلافی می‌دانم که اگر از طریق گفت‌وگو مسائل را حل نکنیم، راه دیگری وجود ندارد.

نگـــاه

الزامات سرمایه‌گذاری در ایران

ادامه از صفحه اول / و از سوی دیگر مجموعه فعالیت‌های روابط خارجی وزارت امور اقتصادی و دارایی اعم از روابط با کشـــورها و سازمان